



جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران چه موضعی باید در پیش گرفت؟

در جنگ با جمهوری اسلامی ایران، که با حمله‌ی نظامی اسرائیل به تأسیسات اتمی و نظامی ایران در روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ (۲۳ خرداد ۱۴۰۴) آغاز شد - و با ورود احتمالی ایالات متحده آمریکا به صحنه می‌تواند ابعاد گسترده‌تری به خود گیرد - جمهوری خواهان آزادیخواه، دموکرات، لائیک و رهایی‌خواه، که در درازای ۴۶ سال دیکتاتوری تئوکراتیک اسلامی در ایران همواره خواهان سرنگونی این نظام در تمامیت آن بوده و هستند، چه موضعی را باید در پیش گیرند؟ در این شرایط تاریخی و بحران جنگی، مردمان ایران را به چه اقدامی باید فرا بخوانند؟

ما در ۱۰ نکته‌ی زیر، به بیان و توضیح این موضع می‌پردازیم.

۱- حمله نظامی اسرائیل به ایران، چون یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، با حقوق و موازین روابط بین‌المللی و منشور این سازمان مغایرت آشکار دارد. در نتیجه، حمله اسرائیل به ایران از دیدگاه این موازین محکوم است. اختلاف‌ها میان دولت - ملت‌ها باید از راه مسالمت آمیز، مذاکره و دیپلماسی حل و فصل شوند و نه با توسل به جنگ، تجاوز، خشونت و دخالت‌گری نظامی.

۲- عامل اصلی این جنگ در درجه اول و به‌طور اساسی و عمده، خود رژیم جمهوری اسلامی است و نه اسرائیل، نه آمریکا، نه اروپا و نه هیچ کشور یا قدرت خارجی. ریشه و مسبب اصلی این جنگ را باید در درون خود ایران پیدا کرد و نشان داد. یعنی در نزدیک به نیم قرن سیادت‌طلبی، بنیادگرایی اسلامی، نظامی‌گری و تروریسم حکومت ایران برای صدور انقلاب اسلامی به خاورمیانه و جهان و اعمال سلطه بر مردم و کشورهای ایران و منطقه.

۳- دشمنی جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل، از روز اول شکل گیری و استقرار این رژیم در پی انقلاب بهمن ۵۷، با قطع رابطه دیپلماتیک ایران با این کشور و اعلام رسمی خواست نابودی آن و بیرون راندن مردم آن به دریا، آغاز می‌شود. این دشمنی همواره طی این سال‌ها با شدت ادامه می‌یابد. از جمله با تشکیل و تقویت مستمر یک جبهه نظامی اسلامی، با ایجاد سپاه قدس به سرپرستی سپاه پاسداران، که محاصره و نابودی اسرائیل را هدف رسمی و مشخص خود قرار می‌دهد. یک هدف دیگر این جبهه، با نام کذایی «محور مقاومت»، اعمال هژمونی اسلامی- شیعی ایران بر خاورمیانه تبیین می‌شود. این جبهه نظامی تشکیل می‌شود از حزب الله لبنان، سازمان های اسلامی - تروریستی فلسطینی چون حماس، شبه نظامیان اسلامی در عراق، حوثی‌ها در یمن و بالاخره رژیم بعثی بشار اسد در سوریه تا قبل از فروپاشی‌اش.

۴- برای رسیدن به اهداف سلطه طلبانه خود، از همان ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی، یک برنامه مستمر هسته‌ای و نظامی به منظور دست یافتن به بمب اتم و موشک‌های بالیستیک دوربرد با کلاهک اتمی، در دستور کار رژیم قرار می‌گیرد. در این راستا، رژیم دست به تقویت و رشد مستمر سانتریفوژها و چرخه‌های غنی سازی اورانیوم می‌زند. هم از لحاظ بالا بردن نرخ غنی آن و هم به لحاظ مقدار مواد غنی شده به کیلوگرم. این کار را نیز هم به صورت مخفی در پناهگاه‌های بتنی زیر زمینی و هم به صورت آشکار انجام می‌دهد. در جریان همین اقدامات، رژیم ایران از همکاری شفاف با سازمان انرژی اتمی، به گفته‌ی مسئولان این نهاد، خودداری می‌کند. این همه با هدف رسیدن سریع به ساخت چند بمب اتم در کوتاه‌ترین زمان.

۵- دسترسی رژیم اسلامی ایران به سلاح و جنگ افزارهای اتمی، یک خطر وجودی (اگزیستانسیال) به شمار می‌رود. خطر وجودی به ویژه و به‌طور عمده و حیاتی برای خود مردم و کشور ایران. خطر وجودی برای کشور اسرائیل. خطر وجودی برای حفظ محیط زیست در ایران و خاورمیانه. خطر وجودی برای امنیت کشورها و مردم منطقه. خطر وجودی، به طور کلی، برای همه‌ی جوامع آزاد و دموکراتیک جهانی.

۶- صلح، امنیت و آرامش در ایران و منطقه خاورمیانه تنها و تنها زمانی می‌تواند برقرار و تامین شود که رژیم جمهوری اسلامی ایران در تمامیت‌اش توسط مردم ایران سرنگون شود. این سرنگونی، نه از طریق جنگ و دخالت‌گری خارجی، با همدستی نیروهای وابسته چون سلطنت‌طلبان، پادشاهی‌خواهان و یا مجاهدین، بلکه تنها و تنها به دست و با اراده‌ی توانا و آزاد خود مردم ایران و قیام‌شان می‌تواند و باید انجام پذیرد.

۷- مردم ایران، در این شرایط بحرانی و تاریخی کنونی، با دخالت‌گری و قیام خود می‌توانند رژیم ورشکسته، پوسیده و تاریک‌اندیش اسلامی ایران را سرنگون کنند و به جای آن یک رژیم جمهوری مستقل از قدرت‌های جهانی (روسیه، چین، آمریکا و غیره)، آزاد، دموکراتیک؛ پایبند به حقوق بشر و اصل جدایی دولت (سه قوای اجرائی، مقننه و قضایی) و دین... برقرار کنند. نخستین اقدام فوری و عاجل این جمهوری نوین، برچیدن تام و تمام تأسیسات انرژی هسته‌ای و سانتریفوژها برای غنی سازی اورانیوم با نظارت کامل آژانس انرژی هسته‌ای و نهادهای بین المللی است. جمهوری ایران جدید، با برچیدن سپاه پاسداران و نهادهای سرکوبگر، ایرانی صلح طلب خواهد شد. ایرانی بدون نظامی‌گری و هژمونی طلبی منطقه‌ای و در نتیجه بدون نیازمندی به موشک‌های دوربرد بالیستیک و دیگر سلاح‌های تهاجمی و نابودکننده‌ی انسان. جمهوری ایران جدید در همزیستی مسالمت‌آمیز با همه‌ی کشورهای عضو سازمان ملل، روابط دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی متعارف با همه‌ی کشورها، از جمله با اسرائیل و آمریکا، برقرار می‌کند.

۸- جمهوری ایران جدید در راه همزیستی، صلح و رفاه مردم در منطقه خاورمیانه عمل می‌کند. صلح پایدار در خاورمیانه زمانی می‌تواند برقرار و تامین شود که سرانجام پس از چندین دهه جنگ و مناقشه، یک دولت مستقل فلسطینی، در کنار دولت کنونی اسرائیل، در کرانه باختری و منطقه غزه تشکیل شود. این دو دولت مستقل، دموکراتیک،

غیر بنیادگرا و غیر هزموونی طلب، یکی اسرائیلی و دیگری فلسطینی، هم از سوی یکدیگر و هم از سوی جامعه جهانی باید به رسمیت شناخته شوند.

۹- در اوضاع کنونی، اپوزیسیون جمهوریخواه ایران به دو بیراهه‌ی مرگبار و انحرافی می‌تواند کشانده شود. یکی، همکاری و همسویی با رژیم جمهوری اسلامی به بهانه‌ی ضرورت *اتحاد ملی در برابر تجاوز خارجی*، صیهونیستی و آمریکایی است. در این میان و در همسویی و مماشات با جمهوری اسلامی، بخش‌هایی از چپ سنتی و توتالیتار می‌توانند گوی سبقت را از جریان‌های افراطی ملی‌گرا ببرایند. دیگری، همدستی با اسرائیل و آمریکا برای تغییر رژیم در ایران از راه وابستگی به این قدرت‌های خارجی و همکاری با آنهاست، که از سوی پادشاهی‌خواهان تجویز می‌شود. این بیراهه‌ها، هر دو، جز رسوایی، ورشکستگی و انحطاط سیاسی و نظری در برابر تاریخ، حاصلی برای چنین "اپوزیسیونی"؟ به بار نخواهند آورد.

۱۰- در اوضاع جنگ کنونی که می‌تواند به درازا کشد و با مشاهده‌ی شرایط اسفبار کشور و احتمال سقوط رژیم و فروپاشی ایران، امر همکاری جمهوریخواهان در خارج از کشور، بیش از هر زمان دیگری ضروری، مبرم و شتابنده می‌گردد. نهادهای جمهوریخواه با حفظ استقلال نظری و تشکیلاتی خود، با پذیرش سه اصل اساسی چون مشترکات لازم و کافی، می‌توانند دست به همکاری میان خود زنند. یکی، پذیرش اصل ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران در تمامیت آن است. دوم، پذیرش جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های حقوق بشری بین‌المللی است و سومی، پذیرش اصل استقلال و یکپارچگی کشور می‌باشد.